

ادامه سریال غرامت‌پردازی هزاره‌ها!

باشنده‌گان ناور مجبور به پرداخت پنج میلیون افغانی به یک کوچی شده‌اند



در ادامه مجبور کردن مردم هزاره از سوی طالبان به پرداخت غرامت به کوچی‌ها، این بار باشنده‌گان سه روستا در ولسوالی ناور غزنی مکلف به پرداخت پنج میلیون افغانی شده‌اند. این تصمیم براساس ادعای یک فرد کوچی صورت گرفته است. این فرد گفته است که ۱۰ سال پیش ۲۳۰ راس گوسفندش در ساحه مرزی ولسوالی‌های ناور و اجرستان مفقود شده است و باشنده‌گان این سه روستا در ماجرای آن دست داشته‌اند. سپس طالبان ۱۷ تن را از این روستاها بازداشت و شکنجه کرده‌اند...

شگفتن از میان محدودیت‌ها!

در شرایط دشوار نیز باید ادامه داد



جنایت علیه بشریت و آپارتاید جنسیتی؛

آیا پرونده طالبان به دادگاه لاهه محول می‌شود؟

پاکستان: جهان به سلاح‌های باقی‌مانده در افغانستان توجه کند

۸ صبح، کابل: وزارت امور خارجه پاکستان خواستار توجه جهان به سلاح‌های باقی‌مانده امریکا در افغانستان شده است. به گزارش روزنامه اکسپرس تربیون، ممتاز زهرا بلوچ، سخنگوی وزارت خارجه پاکستان روز جمعه، ۱۷ سنبله، در یک نشست خبری گفته که سلاح‌های امریکایی اکنون به‌دست تروریستان افتاده است.

او تصریح کرده که اسلام‌آباد نگرانی‌های خود در این مورد را با طالبان شریک کرده است. او افزوده است: «ما هیچ‌کس را مقصر نمی‌دانیم، اما سلاح‌های باقی مانده در افغانستان نیازمند توجه جهانی است؛ زیرا اکنون به‌دست گروه‌های تروریستی افتاده است.»



این در حالی است که پیش از این، انورالحق کاکر، نخست‌وزیر موقت پاکستان گفته بود که تجهیزات باقی مانده نظامی امریکا در افغانستان به دست شبه‌نظامیان افتاده و در نهایت به طالبان پاکستانی رسیده است. روز گذشته نیز جان کرپی، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا ادعاهایی مبنی بر باقی ماندن تجهیزات نظامی واشنگتن در افغانستان را رد کرده و افزوده بود که هیچ‌گونه تجهیزات نظامی را در این کشور باقی نگذاشته‌اند.

طالبان شمار جنگ‌جویان‌شان در پنجشیر را کاهش می‌دهند



۸ صبح، پنجشیر: منابع محلی در پنجشیر می‌گویند که طالبان شمار جنگ‌جویان‌شان در این ولایت را کاهش می‌دهند.

منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح تأیید می‌کنند که طالبان از روز پنج‌شنبه، ۱۶ سنبله به این سو، روند کاهش نظامیان‌شان را از منطقه‌های زمان‌کور و کورابه ولسوالی‌های عتابه آغاز کرده‌اند. به گفته منابع، قرار است طالبان از هر پاسگاه‌شان در پنجشیر، سه جنگ‌جوی این گروه را کاهش دهند.

منابع اضافه می‌کنند که طالبان این افراد را به مرزهای کشور، به‌ویژه مرزهای ایران و پاکستان اعزام خواهند کرد.

بربنیاد یافته‌های روزنامه ۸ صبح، در حال حاضر دست‌کم ۲۲ هزار جنگ‌جوی طالبان در پنجشیر حضور دارند.

این در حالی است که باشنده‌گان پنجشیر همواره از حضور گسترده جنگ‌جویان طالبان انتقاد می‌کنند و می‌گویند که این گروه از منازل مسکونی و ساختمان‌دها باب مکتب در این ولایت به‌عنوان سنگر نظامی‌شان کار می‌گیرند. گفتنی است که در ماه‌های اخیر، تنش‌های مرزی میان طالبان و کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، پاکستان و تاجیکستان نیز افزایش یافته است.

بیست‌ودومین سال روز ترور احمدشاه مسعود



۸ صبح، کابل: هجدهم سنبله با بیست‌ودومین سال روز کشته شدن احمدشاه مسعود مصادف است.

احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور و رهبر پیشین جبهه مقاومت ملی افغانستان، ۲۲ سال پیش از امروز شنبه، ۱۸ سنبله، از سوی دو مرد که خود را خبرنگار معرفی کرده بودند، در پی انفجاری در ولسوالی خواجه بهاولدین تخراب کشته شد.

احمدشاه مسعود در آن زمان رهبری جبهه مقاومت ملی افغانستان برضد طالبان را عهده‌دار بود.

پس از ترور مسعود، حکومت‌های گذشته به وی قهرمان ملی خطاب می‌کردند و روز ۱۸ سنبله نیز به این مناسبت در سراسر کشور رخصتی عمومی اعلام می‌شد.

پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، این گروه از روز ترور احمدشاه مسعود، هیچ‌گونه یادبودی نکرده‌اند. در دو سال پسین شماری از شهروندان و

نماینده‌گی‌های دیپلماتیک افغانستان در کشورهای مختلف جهان از این روز یادبود به‌عمل می‌آورند.

پس از کشته شدن احمدشاه مسعود در سال ۱۳۸۰ خورشیدی، رهبری جبهه مقاومت ملی را مارشال محمدقسیم فهیم برعهده گرفت. با روی کار آمدن دوباره طالبان در افغانستان، جبهه مقاومت ملی توسط احمد مسعود، پسر احمدشاه مسعود، رهبری می‌شود و براساس گزارش رسانه‌های غربی این جبهه به خارج چشم طالبان مبدل شده است.

لطیف ناظمی در سیاه مشق‌های مدرسه



استفاده ابزاری طالبان از علمای مذهبی جهان اسلام





دانشگاه هرات، از دانش به انتحار

برای طالبان، مانند همه رژیم‌های ایدئولوژیک و جریان‌های دگم‌اندیش دیگر، تسخیر دانشگاه‌ها و تهی ساختن آن‌ها از درون‌مایه علمی و پژوهشی و تبدیل آن‌ها به مراکز برای تولید تعصب و نفرت، از اهداف استراتژیک به شمار می‌رود. این را هم در اظهارات رهبری این گروه برای وزارت تحصیلات عالی می‌توان به تکرار مشاهده کرد و هم در اقدام‌های عملی آن‌ها. بسیاری از دانشگاهیان با درکی که از رویکرد این گروه و نگاه آن به محیط‌های آکادمیک و قشر دانشگاهی داشتند، از همان آغاز سيطرة آن بر کشور روی به مهاجرت و کوچ از وطن آوردند. در خلال دو سال گذشته بخش عمده نیروهای آکادمیک افغانستان از این کشور خارج شده‌اند و به نظر می‌رسد که طالبان از این روند بسیار خرسندند، زیرا وجود نیروهای روشن‌اندیش و متعهد به اصول دانشگاهی اجرای برنامه‌های این گروه برای گستراندن ایدئولوژی افراطیت بر سراسر کشور را سخت‌تر می‌کند.

در هرات، از همان نخستین روزهای حاکمیت طالبان، ریاست دانشگاه به یکی از عناصر افراطی که پیشینه‌اش به حزب اسلامی حکمتیار می‌رسید، سپرده شد. او با نزدیک کردن عناصر افراطی دیگر به خود، به‌ویژه کسانی که عضویت حزب اسلامی را داشتند، به جابه‌جایی افراد مورد نظر خود در مناصب دانشگاهی اقدام کرد تا عرصه بر دیگران که دیدگاه متفاوت از این گروه داشتند، تنگ‌تر شود و آنان ناچار به کناره‌گیری داوطلبانه شوند. افزون بر این، بساط فساد مالی در دانشگاه، مانند بسیاری دیگر از ادارات طالبان، به حدی گسترده شد که روی فساد دوران جمهوریت را سفید کرد و درز کردن این مسایل به عرصه عمومی رهبری طالبان را واداشت تا برای جلوگیری از رسوایی‌های بیشتر و بدنامی‌های افزون‌تر، رییس جدیدی برای این دانشگاه بگمارند.

رهبری جدید دانشگاه هرات نه چهره‌ای آکادمیک است و نه شخصیت معروف در علوم سنتی، پس چه مزیت مهمی داشته است تا بابت آن به ریاست یک نهاد آکادمیک برگزیده شود؟ می‌گویند مهم‌ترین ویژه‌گی در کارنامه او این است که برای گروه‌های انتحاری آموزش عقیدتی و ایدئولوژیک می‌داده و آنان را از نظر شرعی به خودکشی تروریستی قانع می‌کرده است. این دقیقاً در خط همان ارشادات رهبری آن وزارت است که سال گذشته در همین دانشگاه گفته بود: «درجه علمی مجاهد از مین‌هایی که کار گذاشته است محاسبه می‌شود.»

این‌ها هیچ‌کدام تازه‌گی ندارد و غافل‌گیرکننده نیست. سرشت گروه‌های متعصب ایدئولوژیک همین است و جز این از آن‌ها نمی‌توان توقع داشت. کسانی که توقعی بیش‌تر و بهتر از چنین گروه‌هایی دارند، باد می‌کارند و توفان درو خواهند کرد. اما آن‌چه نگران‌کننده است، دورنمای دانشگاه و نهاد‌های آکادمیک افغانستان است که با قرار گرفتن در زیر سيطرة مغزهای متفکر انتحار و انفجار به کجا خواهد انجامید و چه از آن باقی خواهد ماند و تا کجا حیثیت آکادمیک این نهادها حفظ خواهد شد و دوام خواهد آورد؟ همچنان، سرنوشت و آینده استادان باقی‌مانده‌ای که به کار علمی خود تعهد دارند و تسلیم این روند نمی‌شوند، به کجا خواهد انجامید؟ دانشجویانی که سال‌ها در چنین فضایی تنفس می‌کنند، چگونه پس از فراغت از آن‌جا دوره‌های بازپروری را خواهند گذراند و ذهن‌شان از سموم افراطیت و اندیشه‌های انتحاری پاک‌سازی خواهد شد؟ نگرانی‌ها و پرسش‌های بی‌پاسخ فراوانی در این زمینه ذهن و روان آگاهان امور افغانستان را همچنان می‌آزارد.

نگرانی امنیت ملی قزاقستان از تهدید داعش و القاعده در افغانستان؛ طالبان امنیت را تضمین نمی‌توانند



۸ صبح، کابل: روسلان سیسمبایف، معاون کمیته امنیت ملی قزاقستان نسبت به تهدید تروریسم و حضور فعال گروه‌های تروریستی در خاک افغانستان ابراز نگرانی کرده است.

به گزارش رسانه‌های قزاقستان، این مقام قزاق، در چهلمین نشست شورای سازمان همکاری‌های شانگهای روز جمعه، ۱۷ سنبله، گفته که برخی از عوامل کلیدی منجر به ظهور تهدیدات تروریستی برای کشورهای عضو این سازمان شده‌اند.

سیسمبایف افزوده است: «یکی از آن عوامل حفظ پتانسیل تروریستی در افغانستان است. طالبان که در سال ۲۰۲۱ به قدرت رسیدند، نتوانستند یک سیستم موثر حکومتی ایجاد و کنترل مناسب بر امنیت را تضمین کنند.»

این مقام قزاقستانی ادعا کرده که افغانستان همچنان مرکز جذب گروه‌های تروریستی بین‌المللی است و شاخه خراسان داعش بزرگترین تهدید رو به رشد برای کشورهای آسیای مرکزی است.

معاون کمیته امنیت ملی قزاقستان خاطرنشان کرده است: «شاخه خراسان داعش به نماینده‌گی‌های دیپلماتیک روسیه و پاکستان حمله کرد. اعضای آن شهروندان چینی را در یک هتل در کابل کشتند و رهبران این سازمان مرتباً

هم علیه آمریکا و هم علیه روسیه، چین و پاکستان مردم را دعوت به جهاد می‌کنند.» او همچنان در مورد حضور القاعده در افغانستان صحبت کرده و گفته که تعداد جنگ‌جویان این شبکه در افغانستان به ۵۰۰ تن می‌رسد و تهدید بالقوه برای پروژه‌های بزرگ در قلمرو کشورهای عضو این سازمان محسوب می‌شود.

او ساخت دهلیز راه آهن ترمز - کابل - پشاور و خط لوله گاز تاپی از ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و هند پروژه‌های خواند که در معرض این تهدید قرار دارند.

با این وصف، او تاکید کرده که کشورهای عضو سازمان شانگهای برای کاهش تهدید تروریسم باید تعامل نظامی و اطلاعاتی‌شان را بیشتر کنند. این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که طالبان همواره تهدید کشورهای همسایه و منطقه از خاک افغانستان را رد کرده‌اند.

گفتنی است که نگرانی کمیته امنیت ملی قزاقستان درست یک روز پس از درگیری مرزی میان نیروهای تاجیکستان و گروه انصارالله مطرح می‌شود. درگیری که در آن دست‌کم سه عضو این گروه کشته شدند. درگیری پس از آن رخ داد که جنگ‌جویان این گروه قصد داشتند تا از ولسوالی درواز بدخشان به خاک آن کشور وارد شوند.

یک عضو طالبان در باغیس توسط محافظش کشته شد

جمعه، ۱۷ سنبله، در ولسوالی آب‌کمری ولایت بادغیس به قتل رسید. به گفته منابع، محافظ این عضو طالبان قدرت‌الله نام داشت و پس از قتل فرماندهش از ساحه فرار کرده است.

محمد حنیف در قوماندانی امنیه طالبان در ولسوالی آب‌کمری ایفای وظیفه می‌کرد. مسوولان امنیتی طالبان در بادغیس تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

پیش از این، مدیر اسبق مواد مخدر قوماندانی امنیه طالبان در ولایت کندز توسط محافظش کشته شد.



۸ صبح، بادغیس: منابع محلی در ولایت

بادغیس می‌گویند که یک عضو طالبان در این ولایت از سوی محافظش کشته شده است.

منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که محمد حنیف حوالی ساعت ۱:۰۰ پس از چاشت روز

طالبان یک نظامی پیشین را پس از دو روز حبس در کاپیسا به قتل رساندند



منابع می‌افزایند که این نظامی پیشین با هیچ گروهی ارتباط نداشت و به خاطر ادعای عفو عمومی طالبان در کشور به سر می‌برد.

بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان و کارمندان حکومت پیشین از سوی طالبان مورد تازه‌ای نیست.

پیش از این، سازمان‌های حقوق بشری از بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان حکومت پیشین از سوی طالبان نگرانی کرده بودند؛ اما این ادعاها همواره از سوی طالبان تکذیب شده است.

۸ صبح، کاپیسا: منابع محلی در کاپیسا می‌گویند که طالبان یک نظامی پیشین را پس از دو روز زندانی در این ولایت، کشته‌اند.

منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این نظامی پیشین محمد اکبر نام داشت و طالبان او را روز جمعه، ۱۷ سنبله، به قتل رسانده‌اند.

به گفته منابع، طالبان محمد اکبر را چهارشنبه‌شب، ۱۵ سنبله، از خانه‌اش در روستای علی خیل از مربوطات مرکز کاپیسا بازداشت کرده بودند.

محمد اکبر یکی از افسران ارتش حکومت پیشین بود و پیش از این نیز، سه بار از سوی طالبان به اتهام همکاری با جبهه‌های مسلح ضد این گروه بازداشت و زندانی شده بود.

دومین روز مسدودیت گذرگاه تورخم؛ مذاکرات برای بازگشایی ادامه دارد

۸ صبح، کابل: با گذشت دو روز از آخرین درگیری طالبان و نیروهای مرزی پاکستان در ساحه‌ای از گذرگاه تورخم، این گذرگاه هنوز به روی رفت‌وآمد بازگشایی نشده است.

مقام‌ها در اسلام‌آباد روز جمعه، ۱۷ سنبله، به داوین گفته‌اند که نیروهای امنیتی پاکستان به کسی اجازه عبور از پاسگاه مچینی در نزدیکی بازار لندی کوتل از مربوطات بندر تورخم را نمی‌دهند.

طبق اطلاعات، هیأت‌های دو طرف برای حل مشکل این بندر پس از اختلافات به میان آمده در «سطح عالی» وارد مذاکره شده‌اند.

ارشاد مومند، دستیار کمیسار لندی کوتل، به روزنامه داوین آغاز مذاکره میان دو طرف را تأیید کرده است.

وی افزوده است: «ما معمولاً طبق وظایف خود در طی جلسات با [طالبان] در سطوح پایین‌تر به مسایل محلی رسیده‌گی می‌کنیم، اما این [تعلیق بندر تورخم] یک موضوع حساس است

و اکنون در سطح بالایی با آن برخورد می‌شود.» مقام‌های پاکستانی گفته‌اند که بندر تورخم تا دستور بعدی همچنان متوقف می‌ماند.

پس از این دستور ده‌ها موتور باربری و مسافران این مسیر در دو طرف بازگشته‌اند و جسد دو شهروند افغانستان که گفته می‌شود به دلیل مرگ طبیعی درگذشته‌اند در آن سوی مرز گیر مانده است.

درگیری میان طالبان و نیروهای پاکستانی روز چهارشنبه، ۱۵ سنبله، منجر به کشته شدن دو نظامی پاکستانی، دو طالب و زخمی شدن دو غیرنظامی شد.

طالبان و پاکستان ادعا می‌کنند که طرف مقابل آغازکننده درگیری بوده است.

روابط میان کابل و اسلام‌آباد به دلیل ادعای پاکستان مبنی بر این‌که طالبان به تی‌تی‌پی پناه‌گاه می‌دهد، طی این مدت پرتنش بوده و درگیری‌های مرزی هم به آن افزوده است.

رییس ستاد ارتش پاکستان روز پنج‌شنبه در یک نشست نظامی گفته که طالبان باید به تعهدات‌شان در زمینه جلوگیری از استفاده خاک افغانستان توسط گروه‌های تروریستی مخالف این کشور عمل کنند.



طالبان یک تن را در قندهار به قتل رساندند

۸ صبح، قندهار: منابع محلی در قندهار می‌گویند که طالبان یک فرد غیرنظامی را در این ولایت، پس از تنش لفظی به قتل رسانده‌اند.

منابع روز جمعه، ۱۷ سنبله، می‌گویند که طالبان پس از آغاز درگیری لفظی با این فرد، او را لت‌وکوب کرده و سپس به قتل رساندند.

به گفته منابع، با وجودی که این فرد غیرنظامی بود و به طالبان آسیبی نرساند، اما جنگ‌جویان این گروه او را با شلیک گلوله کشتند.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که پیش از این نیز شهروندان کشور از این نوع برخورد طالبان شکایت کرده بودند.





جنایت علیه بشریت و آپارتاید جنسیتی؛

آیا پرونده طالبان به دادگاه لاهه محول می‌شود؟

دیدبان حقوق بشر افزوده که افغانستان یکی از طرف‌های اساس‌نامه رم دادگاه بین‌المللی کیفری است و دادستان‌های لاهه این صلاحیت را دارند که تحقیقات خود درباره وضعیت حقوق بشری در افغانستان را آغاز کنند.

کس آمین کاوه

دیدبان حقوق بشر در گزارش جدید خود، فرمان‌های کتبی و شفاهی طالبان علیه زنان را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته و از دادگاه بین‌المللی کیفری (لااهه) خواسته است که در زمینه تحقیق کند. به گفته این سازمان، طالبان مقررات و سیاست‌هایی را وضع کرده‌اند که زنان و دختران را به دلیل جنسیت از حقوق اساسی‌شان محروم کرده‌اند. دیدبان حقوق بشر در این گزارش، خواستار حمایت هماهنگ دولت‌ها برای سپردن رهبران طالبان به دست عدالت شده است. با این حال، تمنا زریاب پریانی و برخی از همراهانش در برابر آن چه آنان آپارتاید جنسیتی این گروه عنوان می‌کنند، از ۹ روز به این سو در شهر کلن آلمان دست به اعتصاب غذایی زده‌اند. همچنان بیش از ۲۰ تن از اعضای جنبش‌های اعتراضی برای به رسمیت شناخته شدن «آپارتاید جنسیتی» طالبان، محصن کرده‌اند. افزون بر این، یک تن از دگرباشان جنسی افغانستان در سویدن برای به رسمیت شناخته شدن آپارتاید جنسیتی علیه این گروه اجتماعی، دست به اعتصاب غذایی نامحدود زده است. تعدادی از نویسندگان، فعالان رسانه‌ای و هنرمندان نیز از اعتصاب‌کنندگان حمایت کرده‌اند.

شفاهی را علیه زنان صادر کرده‌اند که مصداق جنایت علیه بشریت است. حذف زنان از زنده‌گی عمومی و تبعیض سیستماتیک و خشونت سازمان‌یافته در مقابل دختران و زنان به دلیل جنسیت، باعث شده که این نهاد حقوق بشری برای نخستین بار اقدام‌های طالبان علیه زنان را به‌عنوان «جنایت علیه بشریت» مطرح کند. دیدبان حقوق بشر گفته که جنایت علیه بشریت و آپارتاید جنسیتی در افغانستان به اشکال مختلف از سوی طالبان اعمال شده است. به گفته این نهاد، حق آموزش، تحصیل و کار، حق سفر، حق آزادی بیان و تجمع‌های مسالمت‌آمیز و حق آزادی از مواردی است که طالبان آن‌ها را به‌صورت سیستماتیک و هدفمند نقض و حجاب اجباری و بازداشت‌های خودسرانه را تطبیق کرده‌اند.

تحقیقات دیدبان حقوق بشر نشان می‌دهد که رفتار طالبان در قبال زنان چهار شرط پذیرش یک جرم به‌عنوان جنایت علیه بشریت را برآورده کرده است. طبق گزارش «اگر حمله‌های گسترده یا سیستماتیک صورت گرفته باشد، جمعیت غیرنظامی مورد هدف قرار گیرد، اعمالی که با آگاهی انجام شود و این اعمال و حمله‌ها در راستای پیش‌برد پالیسی یک رژیم صورت گیرد» جزو جنایات علیه بشریت به حساب می‌رود. براساس گزارش، طالبان همه موارد یادشده را پس از برگشت به قدرت انجام داده‌اند.

دیدبان حقوق بشر افزوده که افغانستان یکی از طرف‌های اساس‌نامه رم دادگاه بین‌المللی کیفری است و دادستان‌های لاهه این صلاحیت را دارند که تحقیقات خود درباره وضعیت حقوق بشری در افغانستان را آغاز کنند.

الیزابت اونسون، رییس بخش عدالت جهانی در دیدبان حقوق بشر، با اشاره به حذف «ظالمانه و سیستماتیک زنان از صحنه زنده‌گی عمومی» از جامعه جهانی خواسته است که در برابر طالبان به‌گونه هماهنگ عمل کنند تا رهبران این گروه را به دست عدالت بیاورند. او همچنان افزوده است: «تحقیقات دادگاه بین‌المللی کیفری در افغانستان می‌تواند راه را

دگرباشان جنسی در افغانستان اعتصاب کرده‌ام و طبعاً از تمنا پریانی و زنان نیز حمایت می‌کنم. تقریباً شبیه هم هستیم. هویت اصلی ما زن است و از زن‌ها دفاع می‌کنیم و از زن‌ها نیز می‌خواهیم از ما حمایت کنند، چون آن‌ها در افغانستان در بیرون در امن نیستند، اما ما نه در خانه در امن هستیم و نه در بیرون.»

اعتصاب‌کننده‌گان غذایی می‌گویند که آن چه در افغانستان زیر سلطه طالبان علیه زنان جریان دارد، مصداق بارز «جنایت علیه بشریت و آپارتاید جنسیتی» است. به گفته آنان، دولت‌ها باید براساس کنوانسیون‌ها و میثاق‌های حقوق بشری که آن‌ها را امضا کرده‌اند، عمل کنند و رفتار طالبان را در برابر زنان، براساس ارزش‌های حقوق بشری به سنجش بگیرند.

گفتنی است که اعتصاب غذایی تمنا زریاب پریانی و برخی دیگر از فعالان حقوق زن با حمایت گسترده کنش‌گران مدنی، جنبش‌های اعتراضی، نویسندگان، آوازخوانان و فعالان سیاسی و مدنی مواجه شده است.

محمدامین احمدی، پژوهشگر امور دینی و عضو هیات مذاکره‌کننده دولت پیشین با طالبان، در صفحه ایکس (توییتر پیشین)، رفتار طالبان در قبال زنان را «آپارتاید جنسیتی» توصیف کرده است. او نوشته است: «طالبان در افغانستان آپارتاید جنسیتی را به‌طور کامل برقرار کرده است. دو چیز از جهان خواسته شود: ۱. رژیم طالبان رژیم آپارتاید است. ۲. آپارتاید جنسیتی مانند آپارتاید نژادی مصداق جنایت علیه بشریت شناخته شود.»

همچنان فرهاد دریا، از آوازخوانان و هنرمندان مشهور افغانستان، با اعلام پشتیبانی از اعتراض تمنا زریاب پریانی، از همه کسانی که به قول او دل‌شان برای آزادی و برابری می‌تپد، دعوت کرده است که از این «حرکت تاریخ‌ساز و مدنی» حمایت کنند. شکیب مصدق، آوازخوان دیگری است که در حمایت از تمنا زریاب پریانی و زنان افغانستان، فراخوان داده است.

گفتنی است که شماری از زنان و دختران، فعالان مدنی و رسانه‌ای و کنش‌گران اجتماعی به‌صورت گسترده از اعتصاب غذایی زنان و دختران به خاطر به رسمیت شناخته شدن «آپارتاید جنسیتی» در افغانستان زیر کنترل طالبان، اعلام حمایت کرده و از جامعه جهانی خواسته‌اند که آن را به رسمیت بشناسند.

گفتنی است که پیش از این ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، گفته است که رفتار طالبان در قبال زنان و دختران در افغانستان ممکن «آپارتاید جنسیتی» تلقی شود. او از جهان خواسته است تا «آپارتاید جنسیتی» در حال وقوع در افغانستان را به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی در نظر بگیرند.

افزون بر این، ده گزارشگر مستقل سازمان ملل متحد و گوردون براون، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا و نماینده ویژه این سازمان در امور آموزش جهانی، رفتار طالبان در قبال زنان را «جنایت علیه بشریت» توصیف کرده‌اند. طالبان بارها گفته‌اند که حقوق زنان را در چوکات «شریعت اسلامی» به رسمیت می‌شناسند، اما در دو سال گذشته هیچ راهکار و برنامه‌ای برای تامین حقوق زنان و حضور آنان در اجتماع ارایه نکرده‌اند.

برای پاسخگویی به جنایت علیه بشریت در خصوص آزاروایدت جنسیتی فراهم کند.»

این مقام دیدبان حقوق بشر تاکید کرده که دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که دادستان‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری (لااهه) منابع و همکاری‌های لازم را برای بررسی جنایت‌های طالبان در افغانستان دارند.

در همین حال، شماری از فعالان حقوق بشر، کنش‌گران مدنی و جنبش‌های اعتراضی زنان از سازمان ملل متحد و کشورهای جهان می‌خواهند که «آپارتاید جنسیتی» از سوی طالبان را به رسمیت بشناسند.

بشناسند. تمنا زریاب پریانی از ۹ روز به این طرف، در شهر کلن آلمان دست به اعتصاب غذایی زده و از پارلمان این کشور و سازمان ملل متحد خواسته است که «آپارتاید جنسیتی» طالبان را به رسمیت بشناسند. خانم پریانی و همکارانش با برافراشتن چادر تحصن، خواستار توقف کمک‌های مالی به طالبان، منع سفر مقام‌های این گروه و رهایی بدون قیدوشرط زندانیان سیاسی و مدنی از بند طالبان شده‌اند.

از سوی دیگر، تعدادی از اعضای جنبش‌های اعتراضی زنان با اعلام حمایت از مطالبات تمنا زریاب پریانی، در شهرهای مختلف جهان دست به اعتصاب غذایی زده‌اند. فهرستی که در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته، نشان می‌دهد که بیش‌تر از ۲۰ تن از زنان و دختران در پاکستان و ناروی اعتصاب غذایی کرده‌اند. اعتصاب‌کننده‌گان غذایی در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، ادعا می‌کنند که از پنج روز به این سو به دلیل ممانعت پولیس این کشور، در خانه‌های‌شان در اعتصاب غذایی به سر می‌برند.

برخی از اعضای «LGBTQIA» نیز خواستار به رسمیت شناخته شدن «آپارتاید جنسیتی» در افغانستان شده‌اند. مهره فابی، یکی از دگرباشان جنسی افغانستان مقیم سویدن، به ۸صبح می‌گوید که او نیز روز گذشته در شهر مالموی این کشور، دست به اعتصاب نامحدود زده است. فابی می‌افزاید تا زمانی که صدایش شنیده نشود، به اعتراض خود ادامه خواهد داد. او تاکید می‌کند: «به خاطر آپارتاید جنسیتی علیه

ادامه سریال غرامت‌پردازی هزاره‌ها؛

باشنده‌گان ناورمجبور به پرداخت پنج میلیون افغانی به یک کوچی شده‌اند

کس ۸صبح، غزنی



می‌گویند که طالبان این افراد را در محل نم‌ناک نگه‌داری و به‌گونه روزمره لت‌وکوب کرده‌اند. اکنون باشنده‌گان از سوی طالبان محل مجبور شده‌اند که برای حل این قضیه، پنج میلیون افغانی به فرد کوچی بپردازند. گفتنی است که هزاره‌ها پیش از این نیز در موارد مختلف با اعمال زور مجبور به پرداخت

میلیون‌ها افغانی غرامت به کوچی‌ها شده‌اند. طالبان در غزنی باشنده‌گان سه روستای ولسوالی ناور را مجبور کرده‌اند که پنج میلیون افغانی به یک کوچی بپردازند. منابع در این ولایت به روزنامه ۸صبح تایید کردند که براساس ادعای یک فرد کوچی، طالبان ۴۰ روز پیش ۱۷ باشنده روستاهای سبزناله، واغ و جوشان ناور را بازداشت و شکنجه کرده‌اند. این فرد کوچی مدعی شده است که نزدیک به ده سال پیش ۲۳۰ راس گوسفندش از ساحه مرزی ولسوالی‌های ناور و اجرستان غزنی مفقود شده است و باشنده‌گان این سه روستا در ماجرا دست داشته‌اند.

براساس ادعای باشنده‌گان ناور، طالبان در ۲۸ سرطان سال جاری با هجوم به روستاهای سبزناله، واغ و جوشان، این شمار افراد که چند فرد مسن نیز در میان آنان شامل بودند را بازداشت کردند. همچنان طالبان چند باشنده این ولسوالی، از جمله زنان و کودکان را لت‌وکوب نیز کرده‌اند. گفته می‌شود که طالبان این افراد را در جریان بازداشت به‌شدت تحت شکنجه قرار داده‌اند. افزون بر این، طالبان به آنان غذای اندک می‌دهند و آن‌ها را در یک محل نم‌ناک نگه‌داری می‌کنند.

ادامه در صفحه ۵



کچر زبیر سهیل

احمدشاه مسعود؛ اسلام‌گرای رادیکال یا دموکرات سکولار؟

پیروی کند، کافر گشته است (همان). با این بیان، سیدقطب نه تنها دولت و جامعه، بلکه تمام امت را در حلقه کفر و جاهلیت داخل می‌داند که باید دوباره دعوت و هدایت شوند. ایدئولوژی حاکمیت سیدقطب با عقیده «ولاء و براء» وهابی‌های سلفی درهم آمیخت و توسط بنیادگرایان در سراسر جهان اسلام جذب شد. تجاوز روس‌ها به افغانستان سبب شد که گروه‌های جهادی شتاب و پویایی بیش‌تر کسب کنند. اخوانیسم با آمدن در افغانستان و جذب آن توسط حزب‌های جهادی، زمینه‌مند شد. حزب‌های پشتون‌محور مانند حزب اسلامی به رهبری عبدالرب رسول سیاف در مقایسه با حزب میانه‌رو و تاجیک‌محور جمعیت اسلامی به رهبری برهان‌الدین ربانی، در میدان جنگ و سیاست تندروتر و انعطاف‌ناپذیرتر عمل می‌کردند. با وجود این، برپایی نظام اسلامی مطلق، هسته اصلی و مشترک میان تمام حزب‌های جهادی را شکل می‌داد. احمدشاه مسعود در ۲۸ سالگی با پشت پا زدن به همه‌چیز دقیقاً به همین منظور وارد کارزار سیاسی شد و بخش زیادی از عمرش را صرف این آرمان کرد.

در زمانی که مسعود در پولی‌تخنیک دانش‌آموز بود، فشار جریان‌های اسلام‌گرا و نشانیسم ضد کمونیسم در کابل در حال افزایش بود. او شاید از روی ناچاری، با در نظر داشتن جو سیاسی آن دوره و فضای فکری خودش، در سال دوم تحصیل (۱۹۷۲) در پولی‌تخنیک به دنیای سیاست علاقه‌مند شد و با آن عده از دانش‌آموزان کمونیست که به باورهای اسلامی اهانت می‌کردند، بحث و جدال می‌کرد. پس از کودتای ناکام علیه داوود، به پاکستان رفت و با تجاوز روس‌ها دوباره به افغانستان برگشت. او ده سال در برابر روس‌ها رزمید و پس از خروج روس‌ها، به جهاد علیه حکومت تحت حمایت آن‌ها و به هدف استقرار حکومت اسلامی به مبارزه‌اش ادامه داد. در کنار آزادی سیاسی و عدالت اجتماعی، استقرار نظام اسلامی بزرگ‌ترین آرمان سیاسی مسعود به شمار می‌رفت. او در یکی از یادداشت‌هایش نوشت: «دلیل این که بار این همه مشکلات و چالش‌ها را من به شانه بکشم و مسوولیت پدران بگیرم، این است که من در موقعیتی قرار دارم که نسبت به دیگر رهبران افغانستان یا مجاهدین، بیش‌تر می‌توانم به اهداف مشترک این ملت خدمت کنم و آن چیزی نیست جز آزادی و زندگی زیر چتر اسلام» (گال، ۲۰۲۱). در یادداشت بعدی که در اواخر سال ۱۹۸۸ ثبت شده، می‌گوید: سال‌ها قبل انقلاب و شرکت در فعالیت‌های سیاسی نزد خود تصمیم گرفتم تا عمر خود را وقف رضای پروردگار و خدمت به اسلام کنم. روی همین تصمیم‌گیری بود که به نهضت اسلامی پیوستم و خداوند را سپاس‌گزارم که بالا‌یم منت گذاشت و مرا در راه خودش هدایت کرد و مدت‌هاست که جز کار در راه خدا و اسلام وظیفه‌ای دیگر ندارم و هدفی جز هدف اولی در نزد من موجود نیست. طبعاً انسان از گناه و لغزش مصون نیست و من نیز در این راه شاید به حدی که لازم باشد تلاش نکرده باشم و عمدی یا غیرعمدی گناهایی از من سر زده باشد. (همان)

مسعود هر چند در ساحه نظامی استقلال عمل داشت، اما فتوای علما یا رهبران جهادی بخشی از بروکراسی دستگاه سیاسی را شکل می‌داد. در برخی موارد پسوند «اسلامی» برای نهادهایی به کار

می‌رفت که توجیه چندانی نداشت. مثلاً در یکی از یادداشت‌هایش در سال ۶۷ می‌نویسد: همچنان نزد خود به این فیصله رسیدم تا در جهت ترتیب «اردوی اسلامی» ملی در داخل افغانستان قدم‌هایی برداریم. (گال، ۲۰۲۱) بنابراین، دال مرکزی گفتمان سیاسی‌ای که مسعود سال‌ها برای آن رزمید، «اسلام» بود و سایر مفاهیم و نهاد‌های سیاسی باید در محور و پیرامون آن مورد بازتعریف قرار می‌گرفت.

مسعود در هنگامه داغ رقابت اندیشه‌های سیاسی چپ و راست، پا به میدان کارزار سیاست گذاشت و در سایه اسلام اخوانی که در آن زمان در کشورهای اسلامی بازار گرمی داشت، پرورده شد. اما خلاف سایر رهبران جهادی، او هرگز در این دایره محصور نماند. او به همان پیمان که جنگ و سیاست می‌کرد، کتاب نیز می‌خواند. در جذب و تحلیل اوضاع پیرامونش، استعداد عجیب و منحصر به فرد داشت. از روی عادت، هر از گاهی گوشه عزلت می‌گزید، گذشته، حال و آینده‌اش را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌داد و شکست‌ور یختم‌های زنده‌گی‌اش را ترمیم می‌کرد.

ظهور گروه طالبان در دهه ۷۰ خورشیدی و خلق روایت اسلامی جدید به‌عنوان گفتمان جانشین، سبب شد که مسعود گذشته‌اش را در آینه طالبان با چشمان خودش تماشا کند. چندین سال جنگ داخلی، فساد و ناامنی، پرسش جدی‌ای را در ذهن مردم خلق کرده بود: مسعود دیگر برای چه می‌رزم؟ پرسشی که در آن زمان پاسخ روشنی نداشت. او به پنجشیر برگشت تا برای یک جنگ جدید و «روایت جدید» آماده شود.

مسعود مفهوم «اسلام معتدل» را به‌عنوان تخته خیز برای دموکراسی دقیقاً در برابر روایت دینی طالبان خلق کرد و در سایه آن کاربرد مفاهیم سکولار را در گفتارهای برجسته ساخت. در صحبت‌هایش به تکرار و تأکید از دموکراسی، انتخابات، تساوی حقوق زن و مرد، حقوق بشر و تعامل عمیق با جهان پیرامون یاد کرد. او در نامه‌ای که در سال ۱۹۹۷ به وزارت خارجه بریتانیا فرستاد، نوشت: «تا زمانی که صلح در افغانستان تأمین نشود، تا زمانی که دموکراسی از طریق آرای آزاد و عادلانه مردم به وجود نیاید، تا زمانی که حکومت آینده براساس اراده مردم شکل نگیرد و در نهایت، تا زمانی که کشورهای بیرونی مداخلات‌شان را در سرزمین من توقف ندهند، این جنگ ادامه خواهد داشت.» (گال، ۲۰۲۱)

مسعود از کاندیداتوری زنان در انتخابات، بدون قید و شرط حمایت کرد. در حالی که از دید بنیادگرایان، بر پایه نص قرآن کریم و حدیث صحیح «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَتَوْهُمْ أُمَّرَأَةً» ولایت عامه زنان در دین مجاز نیست و مسعود قطعاً بر این مسأله آگاه بود. از میان رهبران افغانستان، او نخستین کسی بود که از اعلامیه اساسی حقوق زنان افغانستان را امضا کرد. آن اعلامیه توسط خانم نسرین گروس و شماری دیگر از فعالان حقوق زن آماده شده بود. همان اعلامیه پسان‌تر مبنای ماده ۲۲ قانون اساسی که ناظر بر تساوی حقوق زن و مرد در افغانستان است، قرار گرفت. (بنی‌یعقوب، ۱۳۹۸) او در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران گفت: از نقطه‌نظر بشری، زن و مرد هیچ‌نوع فرقی بین هم ندارند. هر دو انسانند. از نظر ما زن هیچ مشکلی ندارد که تحصیل کند، کار کند، خود را کاندیدا کند.

مسعود در سال‌های اخیر مبارزاتش، مفهوم «حکومت دموکراتیک» را دقیقاً جاگزین «حکومت اسلامی» کرد. در اکثر صحبت‌های عمومی و مصاحبه‌های رسانه‌ای او دیگر یاد و نشانی از استقرار حکومت

اسلامی نیست. راه‌حل مشکلات افغانستان را در وجود یک دموکراسی واقعی علم کرد. او در گفت‌وگو با خبرنگاران خارجی در شهر دوشنبه و در خواجه بهاولدین، پخته‌گی ذهنیت سیاسی‌اش را بیش‌تر تبارز داد و در یکی از آخرین صحبت‌هایش با یک خبرنگار خارجی در آگست ۲۰۰۱ تصریح کرد که دیدگاه او برای افغانستانی است که هر شهروند آن بتواند، بدون در نظر داشتن جنسیت، یک زنده‌گی خوش و آرام داشته باشد: «عمیقاً باورمندم که این [آرمان] از طریق دموکراسی و یک حکومت منتخب و دموکراتیک براساس توافق جمعی تحقق‌پذیر است. تنها در آن حالت می‌توانیم برخی از مشکلاتی که مردم افغانستان را به گروگان گرفته است، حل کنیم. راه‌حل واقعی، فقط در یک چنین وضعیت سیاسی و اجتماعی و یک چنین اداره‌ای که تمام اقوام، گروه‌های قومی و تمام مردم افغانستان در آن به‌درستی نماینده‌گی شوند، بسته‌گی دارد.» (گال، ۲۰۲۱) او در جایی دیگر، در پاسخ به این پرسش که چه تصویری برای آینده افغانستان در ذهن دارد، گفت: «تصویری که من در ذهن دارم، این است که افغانستان یک کشور مستقل، متحد، آزاد باقی بماند و رژیم سیاسی رژیمی باشد که مبتنی بر اراده مردم از طریق دموکراسی و خود آرای مردم باشد که رژیم آینده را تعیین کند و مردم خودش به سرنوشت خودش حاکم شود... ما طرفدار بازار آزاد بودیم و استیم و بازار آزاد کدام مخالفتی با اسلام ندارد.» در پاسخ به این که چه نوع حکومتی را در افغانستان می‌خواهد، گفت: «... یک حکومت دموکراتیک».

در سفرش به اروپا وقتی از او در مورد حضور عناصر چپ و کمونیست پرسیدند، گفت: ما این بحث را نداریم، افغانستان متعلق به همه ملت است، از جمله کمونیست‌ها. من به نیروی متخصص نیاز دارم. این که کمونیست است، مهم نیست. (بنی‌یعقوب، ۱۳۹۸) مسعود برای تحقق آرمان دموکراتیکش، گام‌های جسورانه‌تری برداشت. او می‌دانست که در وجود چهره‌های سنتی و بنیادگرا، حکومت او مورد قبول جامعه جهانی قرار نخواهد گرفت. به همین منظور، تلاش می‌کرد تعادل میان چهره‌های جهادی و تکنوکرات را نهادینه سازد. تماس او با عبدالرحیم غفورزی نیز بخشی از این برنامه بود.

مسعود ۲۰ سال از عمرش را صرف تحقق آرمان‌های آزادی‌خواهانه کرد. در بخش زیادی از آن مدت، اسلام سیاسی و استقرار حکومت اسلامی در کانون مبارزات او قرار داشت. در سال‌های پایانی عمرش، اندیشه سیاسی او دچار انقلاب عمیقی شد. این دگرگونی تلفیقی بود از مطالعات نظری و چشم‌دیدهای عملی او از رویدادهای سیاسی و اجتماعی در دنیای پیرامونش. او تأثیرگذارترین چهره سیاسی در تاریخ معاصر افغانستان است. به همین دلیل، تبیین و بررسی سیر تکاملی اندیشه او برای آینده افغانستان، می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد.

فهرست منابع:

- ۱- تامسن، پیتر، The Wars of Afghanistan (نیویورک، ۲۰۱۱).
- ۲- فرهنگ، محمدصدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر (تهران، ۱۳۹۰).
- ۳- اسپوزیتو، جان/ وال، جان Islam and Democracy (نیویورک، ۱۹۹۶).
- ۴- شحرور، محمد، الدین و السلطه (بیروت، ۲۰۱۴).
- ۵- گال، سندی، Afghan Napoleon (لندن، ۲۰۲۱).
- ۶- بنی‌یعقوب، ژیلا، فرمانده مسعود (تهران، ۱۳۹۸).

شگفتن از میان محدودیتها؛ در شرایط دشوار نیز باید ادامه داد

کجه بهینیا

خوشحال کننده است.

مطهره دانش‌آموخته رشته اداره و حساب‌داری است که در سال ۱۳۹۵ خورشیدی از یکی از دانشگاه‌های دولتی کابل فارغ شده است. برای ادامه تحصیل در بخش اداره و تجارت در دو کشور آسیایی چین و بنگله‌دیش زبان انگلیسی و چینی را فرا گرفته است؛ اما بنا بر گسترش ویروس کرونا در جهان، درس‌های او مختل شده و نتوانسته است موفق به راه‌یابی به دوره فنی در یکی از دانشگاه‌های این دو کشور شود. زمانی که همه‌گیری کرونا فروکش می‌کند، بار دیگر تصمیم به ادامه درس‌هایش می‌گیرد. مثل این که بخت با او یار نیست و این بار بالای سرسخت‌تر از کرونا به اسم «طالبان» حاکم روزگار می‌شود.



او در روزهای نخست حاکمیت این گروه خانه‌نشین می‌شود و دنیای بیرون از خانه برایش پر از وحشت می‌نماید؛ زیرا کسانی حاکم دپارش شده‌اند که سال‌ها با مردم سر ستیز داشته و تا توانسته‌اند، کشته و زخمی برای مادران، پدران، فرزندان و همسران سرزمینش به ارمغان گذاشته‌اند. وحشت از این گروه سبب فرار بسیاری از مردم از جا و مکان‌شان شده و زن‌ستیزی این گروه زنان را مجبور به خریدن در کنج خانه‌هایشان کرده است. مدتی جو خفقان‌آمیز بازگشت طالبان، زنده‌گی را برایش تیره‌وتار کرده و چندین ماه خانه‌نشینی او را دل‌نگران و افسرده‌حال می‌کند. قدرت‌گیری این گروه سبب از بین رفتن دستاوردهایی می‌شود که سال‌ها برای آن تلاش کرده بود. ادامه تحصیل، گشت‌وگذار بدون قیدوشرط، فضای امن کاری، مرکزهای آموزشی و طرز پوشش اختیاری را از دست می‌دهد. با وجود این ناملایمت‌ها، انگیزه دنبال کردن رویاهایش سبب می‌شود که به شرایط تسلیم نشود و از میان دشواری‌ها دوباره جوانه بزند. او سرنوشتی را که گروه حاکم برایش رقم زده است، نمی‌پسندد و برای آن که خودش آینده‌اش را بسازد و سرنوشتش را رقم زند، وارد میدان می‌شود.

ترس از محکوم شدن زنان در حبس‌گاه خانه‌گی به دست این گروه، او را وامی‌دارد تا راهی برای حضور دوباره در اجتماع و ازسرگیری فعالیت‌هایش بیابد. او به دنبال رویایی می‌یابد که پیش از حاکمیت طالبان طرح اولیه آن را در ذهنش چیده بود و قرار بود تحصیلش را نیز در آن بخش به اتمام برساند. او می‌خواست وارد عرصه تجارت شود و در کنار زنان تاجر کار کند و روزی تجارت‌پیشه بین‌المللی شود. هدف از ایجاد کارش

از میان محدودیت‌های سر به فلک کشیده، دودستی به تلاش برای استقلال مالی و فکری چنگ انداخته است. برای رسیدن به آن، جاده‌های ناهموار را یکی بعد دیگر می‌پیماید تا به خوش‌بختی برسد. سال‌ها با کلیشه‌های موجود اجتماع جنگیده است و حالا با گروهی زن‌ستیز که حاکمان ملکش شده‌اند، این گروه حتا نمی‌خواهد زنان از چهاردیواری خانه‌هایشان سر بیرون کنند. بنابراین، او تلاش دارد دنیای پرمشقت زنانه‌گی و کلیشه‌های موجود آن را تبدیل به نقطه قوت کند؛ کلیشه‌هایی که از کودکی همانند سایه او را تعقیب کرده و راه به سوی خودکفایی، آزاده‌گی و بالنده‌گی را به روی او بسته است. شکستن باورهای زن‌ستیزانه و پنداشتن زن به‌عنوان جنس ضعیف در اجتماع مردسالار، برایش کار آسانی نیست، اما تلاش‌های خسته‌گی‌ناپذیر، ذهن او را از دنیای تاریک جهالت‌رهای بخشیده است. برترپنداری مردان و ضعیف نشان دادن زنان در اجتماعی که او در آن زاده شده است، سال‌هاست زنان را از فعالیت‌های مختلف باز داشته و کارها را براساس جنسیت رده‌بندی کرده است؛ اما کسانی همانند مطهره هستند که محدودیت‌های سر به فلک کشیده را اندکی شکسته‌اند. او و بسیاری از زنان در طی بیست سال گذشته ثابت کرده‌اند که زن ناتوان نیست. زن همان موجود ظریف و شجاعی است که جامعه هزاران نفری را زاینده است و توان اجرای هر گونه کار و فعالیت بیرون از خانه را دارند.



مطهره بیش از یک سال است که تجارت پوشاک را با اندک‌ترین سرمایه، آغاز کرده است. در حاکمیتی که فقر و گرسنه‌گی در بالاترین سطح خود رسیده و بازار کار افت بی‌پیشینه داشته است، او با استفاده از سه هزار افغانی برایش کار دست‌وپا کرده است. با تلاش‌های بی‌وقفه، همان سرمایه اندک را به چندین برابر افزایش داده است. می‌گوید که اگر در کاری با جان و دل تلاش کنیم و از میان ناملایمت‌ها سر به در آوریم، نتیجه آن



را بسنجیم و آن را دنبال کنیم؛ چون هر مشکل راه حل دارد و من با تلاش‌های فراوان و آزمون و خطا توانستم راهم را باز کنم و از این طریق بتوانم انگیزه‌ای برای خانم‌های دیگر نیز باشم.»



طالبان همان‌طوری که در صدد بهانه‌جویی‌اند تا زنان را کاملاً از جامعه محو کنند، او را نیز بارها به دلیل‌های مختلف و گاهی به بهانه نپوشیدن حجاب سیاه، توهین و تحقیر کرده و در صدد کشتن روحیه‌اش دست به ماشه برده‌اند، اما انگیزه او برای دنبال کردن اهدافش، رفتارهای مغرضانه این گروه را دفع کرده و با انگیزه‌تر از قبل برای ادامه کارش قدم برداشته است. او به تکرار می‌گوید که در شرایط دشوار نیز باید ادامه داد. او اهل ایستادن نیست و دیگران را نیز از توقف کردن و تسلیم شدن و ایستادن به راه افتادن و حرکت کردن به جلو تشویق می‌کند.

مطهره به‌عنوان کسی که کارش را بعد از آغاز حاکمیت طالبان دست‌وپا کرده است، از همه زنان می‌خواهد که ناامید نشوند، هدف‌هایشان را مشخص کنند و راه رسیدن به آن را نظر به شرایط تغییر بدهند و همواره انعطاف‌پذیر باشند. او از همه زنان می‌خواهد در شرایطی که گروه طالبان هر فرصتی را غنیمت می‌شمارند تا آنان را سرکوب کند، حامی هم‌دیگر باشند و حضور افراد منفی‌نگر چهارسوی‌شان را کم‌رنگ سازند. او همچنان خطاب به هم‌جنسانش علاوه می‌کند که از هر شرایط ممکن استفاده کنند، سرمایه‌گذاری نمایند، آموزش ببینند و همواره در حال یادگیری راه‌های نو برای برون‌رفت از معضله‌ها باشند. می‌گوید برای کسانی که صبورانه تلاش می‌کنند، همه چیز به‌موقع اتفاق می‌افتد.

در اجتماعی که همه زنان وابسته‌گی مالی به مردان خانواده‌ها دارند، می‌خواهد استقلال مالی و فکری به دست بیاورد. می‌گوید: «انگیزه اصلی کار من استقلال مالی و فکری بود و همچنان از این طریق می‌خواستم به دخترانی که بعد از آمدن طالبان انگیزه‌شان را از دست داده بودند، نمونه‌ای خوب باشم.»

او کار پوشاک را از سال ۱۴۰۱ خورشیدی با وجود محدودیت‌های روزافزون طالبانی بر فعالیت زنان، آغاز می‌کند. بنا بر همین محدودیت‌های شدید، نمی‌تواند به‌گونه فزینی تجارتش را در شهر و بازار بگستراند. بناءً به دنبال راه بدیل می‌گردد و تجارت آنلاین را که بعد از هجوم طالبان در افغانستان، زنان به آن رو آورده‌اند، برمی‌گزیند. او کارش را به‌گونه آنلاین با اندک‌ترین سرمایه، با انگیزه نه‌چندان بالا و با طرح‌های ساده و کم‌مصرف، آغاز می‌کند: «کارم را با سه هزار افغانی شروع کردم و از فروش، بازار و بازاریابی و تجارت آنلاین نیز هیچ علم و آگاهی نداشتم.» مصمم بودن او برای پیش‌رفت در این عرصه، سبب شده است تا آموزش‌های مختلف را به‌گونه آنلاین فرا بگیرد و در پهلوی آن کتاب‌هایی که مربوط به تجارت آنلاین می‌شود را نیز بخواند.

محصولات او شامل انواع چادر، بلوز و هودی (جاکت‌های کلاه‌دار) است. طرح‌های او به‌شکل سوزن‌دوزی، گل‌دوزی و چاپی، طراحی، دوخته و چاپ می‌شود. چیزی که مشتریان را بیشتر علاقه‌مند کرده، طرح‌ها با سبک‌های وطنی مطابق به فرهنگ افغانی است. او هرچند طرح‌های دیگری نیز بنا بر خواست مشتریان آماده می‌کند. با طرح‌های زیبا، توانسته است بازار خوبی را برایش دست‌وپا کند و علاوه بر مشتریان داخلی، مشتریان خارجی را نیز جذب کند. مشتریان داخلی‌اش از چندین ولایت است و مشتریان خارجی او ساکنان کشورهای ایران، پاکستان، امریکا و کانادا‌اند.

مطهره در مدتی کم، با فراگیری فنون بازاریابی آنلاین و کسب مهارت در مورد این عرصه، توانسته است پیش‌رفت خوبی کند. او اکنون در صدد این است تا فرآورده‌هایش را متنوع‌تر بسازد و آن‌ها را با طرح‌های جدیدتر عرضه کند تا بازار کارش پررونق‌تر شود. باور به توانایی خود و ایمان به هدف، او را به تلاش مستمر واداشته است. این باور و ایمان، همراه همیشه‌گی‌اش در شرایط خفقان‌آمیز کنونی است و به او انگیزه حرکت به جلو را می‌دهد. هرچند مطهره در این راه، بارها به زمین خورده و خطا کرده، اما هیچ‌گاه انگیزه‌اش را برای ادامه کار از دست نداده است: «با وجود شرایط سخت کنونی می‌شود کار کرد و به فعالیت ادامه داد. فقط این که باید راه هر کاری

که این موضوع نباید به رسانه‌ها درز کند.

گفتنی است که کوچی‌ها پیش از این نیز با حمایت طالبان در بیش‌تر ولسوالی‌های مناطق مرکزی افغانستان براساس ادعاهای مشابه، از باشندگان این منطقه غرامت‌های میلیونی دریافت کرده‌اند.

در جریان دو سال گذشته، کوچی‌ها به حمایت طالبان در ولسوالی ناور دست‌کم چهار بار از باشندگان این ولسوالی در حالی غرامت‌های میلیونی گرفته‌اند که هیچ نوع اسناد و شواهدی مبنی بر دست داشتن آن‌ها در این قضایای ادعاشده وجود نداشته است. با این حال، طالبان بنا بر فیصله صحرائی و یک‌جانبه، مردم را با زور و خشونت مجبور به باج‌دهی کرده‌اند. در یکی از

ادامه سریال غرامت‌پردازی هزاره‌ها...

زندانی کردند. اجازه ملاقات با خانواده‌هایشان را نداشتند. هر روز چندین بار لت‌وکوب می‌شدند. جای بودوباش‌شان را آب‌پاشی می‌کردند. یک نفر دست و پایش شکسته و بستری است. در این وضعیت هر کسی که قرار بگیرد، مجبور می‌شود که جرم نکرده را هم قبول و از زجرکشی نجات پیدا کند.»

براساس اطلاعات منابع محلی، طالبان به باشندگان این روستاها ده روز فرصت داده‌اند تا مبلغ پنج میلیون افغانی را به فرد کوچی تحویل دهند. در کنار آن، طالبان به مردم هشدار داده‌اند

یک منبع در این ولسوالی که نخواست نامش فاش شود، به روزنامه ۸صبح چنین گفت: «سرانجام پس از ۴۰ روز بازداشت و شکنجه، ۱۶ فرد بازداشت‌شده از زندان رها شدند و یک تن به دلیل لت‌وکوب شدن بیش از حد در شفاخانه بستری است. در زندان به حدی آن‌ها را اذیت کرده‌اند که مجبور شدیم قبول کنیم تا به هر اندازه پول که می‌خواهند را پیدا کنیم.»

یک باشنده دیگر این ولسوالی از جریان بازداشت و سپس نگه‌داری این افراد در زندان طالبان روایت کرد. او گفت: «۱۷ نفر را بسیار به حالت وحشت‌ناک

لطیف ناظمی

در سیاه مشق‌های مدرسه

خاموشی و سکوت پدید آورد ملال

ای شعر نانوشته بیا آشتی کنیم
جانم از این سکوت غم‌انگیز خسته شد
در آسمان خاطر از آذرخش عشق
تایید اخگری و طلسمی شکسته شد
(همان، ص ۶ ص ۴-۶۵)

احساس می‌کنم که در میان شعر «پدرود» و شعر «طلسم شکسته» پیوندی برخاسته از رویدادی وجود دارد. شعر پدرود گونه‌ای شکواییه است از محیط فرهنگی که شاعر در آن می‌زیسته است. پیام اصلی شعر این است که شاعر خواسته تا با شعر که آن را بقای زنده‌گی خود می‌داند، پدرود گوید و لب از سخنگویی فرو بندد. چه پدرودی تلخ و جان‌سوزی!

این هر دو شعر در سال ۱۳۴۱ سروده شده‌اند. در این هنگام و اصف در آستانه بیست‌ساله‌گی است؛ اما شعرش با سربلندی در کنار و چه بسا که پیشاپیش شعر استادان خودبین روزگار و آنانی که دهه‌ها به شعر و شاعری پرداخته‌اند، گام برمی‌دارد. با دریغ عرصه فرهنگ در افغانستان پیوسته عرصه پس‌زدن‌ها، انحصارگری‌ها، دورشو‌ها و کورشو‌ها نیز بوده است. هنوز چنین چیزی با تمام بدی‌هایش کم‌وبیش وجود دارد.

می‌توان چنین نتیجه گرفت که گروهی بر بنیاد حسادت و تنگ‌نظری یا هر دلیلی که بوده، سروده‌های شاعر را مورد پرسش قرار می‌دادند و چه بسا که نکته‌ها باشند که او این شعرها را از استادان شعر پارسی به نام خود می‌کند. به هر دلیلی که بوده، چنین برخوردی، شاعر جوان را دل‌شکسته و ناامید ساخته و ناگزیر با یک خشم شاعرانه می‌خواسته تا از میدان به سود حسودان کنار رود. شمار دیگری اما به شاعر و قریحه بلند او باور پیدا می‌کنند و از او ستایش و دل‌جویی می‌نمایند. این بیت‌ها در «شکست طلسم» بیان‌کننده چنین چیزی است:

بر واپسین سرود من و داستان من
کردند شاعران سخن سنج داوری
بس اشک‌ها به دامن «پدرود» ریختند
روشن‌دلان ز پاکی و پاکیزه‌گوهری
گفتند این سکوت گناه است و ناروا
آن‌سان که آفتاب کند ذره‌پروری
چنین است که او با شعرهای نانوشته خود آشتی می‌کند. بار دیگر به میدان می‌آید. مبارزه می‌کند، می‌سراید و دهان حسودان را می‌بندد:

ای شعر نانوشته بیا آشتی کنیم
جانم از این سکوت غم‌انگیز خسته شد
در آسمان خاطر از آذرخش عشق
تایید اخگری و طلسمی شکسته شد
بدین گونه است که و اصف باختری، طلسم حسودان بدان‌دیش را می‌شکند به راه پرشکوه خویش رو به اوج‌ها به پیش می‌رود.

برگردیم به اصل موضوع تا «سیاه‌مشق‌های مدرسه» را ورق‌گردانی کنیم. این دفتر شعری، نتیجه نخستین سال‌های شاعری لطیف ناظمی است که ۳۶ پارچه شعر در آن آمده است. بخش بیش‌تر شعرهای آمده در سیاه‌مشق‌ها، غزل است که شمار غزل‌ها به ۲۱ پارچه می‌رسد.

شعرهای دیگری در قالب‌های مثنوی، قطعه، دوبیتی، مخمس، چهارپاره و نیمایی سروده شده‌اند. آن گونه که ناظمی خود در مقدمه گفته است، او پاره‌ای از سروده‌های خود در این سال‌ها را در مجموعه «سیاه‌مشق‌های مدرسه» نیاورده است. با این حال این دفتر شعری ما را به نخستین ریشه‌های شاعری او می‌رساند. از این نقطه‌نظر اهمیت خاصی دارد. به یکی چند نکته اشاره می‌شود.

بهار فی المجلس سروده بود:
با خرقه و تسبیح مرا دید چو یار
گفتا از چراغ زهد ناید انوار
کس شهید ندیدست در کان نمک
کس میوه نچیدست از شاخ چنار
باری هم واژه‌های خروس، انگور، درفش و سنگ را برایش دادند تا رباعی بسراید:
برخاست خروس صبح بر خیز ای دوست
خون دل انگور فگن در رگ و پوست
عشق من و تو قصه مُشت است و درفش
جور تو و دل صحبت سنگ است و سبوست
بهار با طبع روانی که داشت، گاهی هم از چنین کلمه‌ها شعرهای آمیخته با طنز و هجا به آن‌ها تحویل می‌داد و بدین گونه بود که دهان گشاده حسودان را می‌بست.

در بررسی شعرهای استاد و اصف باختری به دو شعر برخوردیم. یکی زیر نام «پدرود» و دیگری زیر نام «طلسم شکسته» که به پندار من شعر پدرود بیانی است از کینه‌ورزی کینه‌ورزان عرصه شعر ادبیات.

روشن‌دلی نبود که داند بهای من
پرواز کرد بلبل داستان‌سرای شعر
از شاخسار خاطر دردآشنای من
دل مرد و شور مرد و نوا مرد و شعر مرد
این واپسین سرود من است ای خدای من
(سفالینه‌ای چند بر پیشخوان بلورین فردا، ص ۳۷)

این شعر شکواییه‌ای تلخ است، گویی کسی ناگزیر شده است تا همه هستی معنوی‌اش را پشت سر بگذارد و با چیزی پدرود گوید که همه هستی اوست. او از واپسین سرود خود سخن می‌گوید. نمی‌دانم شاید از دست حسودان روزگار به تنگ آمده است. اگر مشخص‌تر بگویم، از چگونه‌گی برخورد یک حوزه حسود فرهنگی می‌نالد. چیزی که به‌گونه‌ای هنوز هم در حوزه‌های فرهنگی افغانستان ادامه دارد.

واصف باختری در همان سال شعر دیگری دارد، زیر نام «طلسم شکسته» که گویی ادامه و پاسخی است به شعر «پدرود». شاعر در این شعر از برگشت دوباره خود به سوی شعر و شاعری، سخن می‌گوید.

گفتم دگر ترانه نگویم ز عشق و شعر
گفتم دگر چکامه نپردازم از خیال
گفتم که شعر مرد و نوا مرد و شور مرد
آغوش دل ز عشق تهی ماند چون هلال
غافل از این که در دل دردآشنای من



شاعر نیم، ادیب سخن‌سنج نیستم
بر شاعران شهر مخوانم رقیب نو
پس از این رویداد بود که دیگر اربابان مطبوعات
شهر من، برای چاپ و نشر سروده‌های خام و ناباب
من دغدغه‌ای در سر نداشتند.»
(من باغ آتشم، انتشارات تاک، ۱۳۹۹، صص ۵۱۵-۵۱۶)

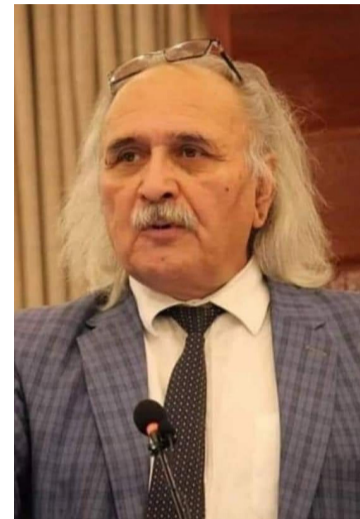
بی‌باوری به استعداد کودکان، آن هم استعدادهای آفرینشی، گویی درد مشترک همه مشرق‌زمین است. از زبان دوستان زیادی شنیده‌ام که حتا گاهی استادان‌شان نسبت به آفرینش‌های ادبی آنان بی‌باور بوده‌اند و هر کدام در این پیوند روایتی داشته است. اگر شعری سروده یا متنی نوشته‌اند که قابل توجه بوده، همیشه با این پرسش روبه‌رو بوده‌اند که این شعر یا این متن را چه کسی برایش نوشته یا از کجا آن را گرفته است. چه بسا که چنین کودکانی مورد استهزا نیز قرار می‌گرفتند که صدمه‌ای بود بر روان و ذهن آفرینش‌گر آنان.

باری نوشته‌ای داشتم در پیوند به زنده‌گی و شعر ملک‌الشعر بهار. او در ده‌ساله‌گی شعر می‌سرود. در سیزده و چهارده‌ساله‌گی دگر سخنوری شده بود. او همین که گام‌های بلندتر و استوارتری به سوی شعر برمی‌داشت، آتشی در سینه حسودان تنگ‌مایه روزگار روشن می‌شد. جز شماری چند از استادان، دیگر همه‌گان او را انکار می‌کردند و به شاعری او باور نداشتند. این سخن را بر هر کوی و برزن سر داده بودند که این جوان شعرهای پدر را به نام خود می‌کند و به نام خود می‌خواند.

کار بهار به آزمون کشیده شد و او را هر روزه امتحان می‌کردند. این آزمون‌ها آتشی بود انبوه از هیمة نفرت، کینه‌ورزی و شک و تردید که باید شاعر نوجوان چنان سیاوشی از آن پیروزمندانه به در می‌آمد. به مناسبت‌های گوناگون از او می‌خواستند تا شعری بسراید. او می‌رفت و می‌سرود.

مطلع قصیده‌ای از استادان کهن را برایش می‌دادند تا در آن وزن و قافیه شعر بسراید. او می‌رفت و می‌سرود و مجاب‌شان می‌کرد؛ اما حسادت را پایانی نیست. آن‌ها نغمه ناجور دیگری سر دادند و رشته حسادت را از گونه دیگر تاب دادند و گفتند که این شعرها را کس دیگری برایش می‌سراید و شماری هم می‌گفتند که این شعرها را مادرش می‌سراید.

امتحان دیگری را به میدان آوردند و از بهار نوجوان می‌خواستند تا فی‌البديهة شعر بسراید. واژه‌های نامتجانسی را برایش می‌دادند تا آن‌ها را در شعر خود به کار گیرد. چنان که باری برایش گفتند تا واژه‌های تسبیح، چراغ، نمک و چنار را در یک رباعی به کار گیرد و هر واژه را در یک مصراع بیاورد.



کلمه پرتو نادری
بخش نخست

«من باغ آتشم»، مجموعه شعرهای استاد لطیف ناظمی را با احتیاط می‌توان کلیت شاعری او گفت. انتشارات تاک، این کتاب را در ۵۵۸ صفحه در بهار ۱۳۹۹ خورشیدی در کابل نشر کرده است. هفت دفتر شعری نشر شده شاعر در «من باغ آتشم» آمده است.

مجموعه‌های زیر، از لطیف ناظمی است:

- سایه و مرداب؛
- باد در فانوس؛
- از باغ تا غزل؛
- آینه‌ها دروغ نمی‌گویند؛
- خواب علف؛
- بوطیقای صدا؛
- سیاه‌مشق‌های مدرسه.

«سیاه‌مشق‌های مدرسه» هر چند گزینه‌ای است از نخستین سروده‌های شاعر، اما در فهرست دفترهای شعری چاپ‌شده او جایگاه آخرین را دارد. گویی شاعر پیرانه‌سر به یاد یاران روزگار نوجوانی خود افتاده و آن‌ها را در کوچه‌ها و پس‌کوچه‌های تاریک و نیمه‌روشن سال‌ها دور جست‌جو کرده و به جرگه شعرهای خود راه داده است.

ناظمی با همین سیاه‌مشق‌ها آغاز شده است. این که چگونه آغاز شده، خود در مقدمه کتاب چنین گفته است: «در کودکی بود که به دامن شعر پرتاب شدم. هفت هشت سال بیش‌تر نداشتم که دریچه این دنیای مرموز و رنگارنگ به رویم گشوده شد. ده‌ساله بودم که یکی از غزل‌هایم در روزنامه شهر ما اقبال چاپ را یافت.

از جایی که کنار نام عبارت «شاگرد صنف پنجم» را نوشته بودم، پس از نشر آن شعر، موجی از اعتراض، بدگمانی و ناباوری جامعه فرهنگی شهر ما را فرا گرفت که گویا این سروده را به سرقت برده‌ام و خود سروده‌ام. اعتراض‌ها کار را بدان‌جا کشاند که مرا به محاکمه ادبی فراخواندند تا در بوته آزمون قرار دهند. دو بیتی را که یکی از شاعران پیشاپیش در قافیه و ردیف دشوار سروده بود، به من سپردند تا به همان وزن و قافیه و ردیف به پاسخ آن بپردازم.

فضل سلجوقی سروده بود:

ای شاعر خجسته‌صفت، ای ادیب نو
از شاعری شدی به بزرگان رقیب نو
انشاد کرده‌ای تو بسا شعر پرشر
دارای سبک تازه و طرز عجیب نو

سخت ترسیده بودم و گمان می‌بردم که فصل جدایی من با شعر فرا رسیده است؛ اما اقبال یاری کرد و از قضا توانستم به‌گونه ارتجالی دو سه بیت به همان وزن و قافیه و ردیف بنویسم و بدین گونه از نخستین آزمون در زنده‌گی پیروز به‌در آیم:

ای فاضل، ای ادیب سخن‌سنج! دانمت
در شبهه‌ای به شاعری این غریب نو!
دادی به امتحان به من این لحظه یک دو بیت
شعر فخیم و پخته و نظم عجیب نو

حقانے از محقق و خلیله خواست تا به صفت «موی سفید قوم» به افغانستان برگردند

۸ صبح، کابل: سراج الدین حقانی، سرپرست وزارت امور داخله طالبان، در سفرش به بامیان از محمد محقق و کریم خلیلی، رهبران جهادی خواسته تا به حیث «موی سفید و بزرگ قوم» به کشور برگردند. او این اظهارات را که نواری از آن روز جمعه، ۱۷ سنبله، در شبکه‌های اجتماعی نشر شده طی سفرش به بامیان در میان باشنده‌گان آن ولایت مطرح کرده است. حقانی افزوده است: «قوم و مردم دارید، موی سفیدان و بزرگانی که اینجا هستند قدر دارند و شما هم بیایید که بیشتر قدر پیدا کنید.» این مقام طالبان از آنان می‌خواهد تا با برگشت‌شان به کشور «پیام امنیت» به مردم بدهند. به گفته حقانی، [طالبان] قصد انتقام از هیچ‌کسی را ندارد و دروازه این گروه به‌روی تعامل جهانی باز است. محمد محقق، رهبر جهادی و کریم خلیلی، معاون اسبق ریاست جمهوری، با سقوط کابل به‌دست طالبان از کشور بیرون شدند. این رهبران جهادی تا کنون در مورد این اظهارات حقانی چیزی نگفته‌اند.



طالبان در حالی از این رهبران جهادی پیشین می‌خواهند تا به افغانستان برگردند که طالبان اخیراً ادعا کردند، به کسانی از مقام‌های پیشین و سیاسیون به افغانستان برگردند، کارت مصونیت می‌دهند. با این حال، براساس گزارش‌هایی که پیش از این نشر شده است، طالبان در مواردی با نظامیانی که به کشور برگشته‌اند برخورد خوشنیت‌آمیزی داشته‌اند و حتا در چندین مورد آنان را به قتل نیز رسانده‌اند. به همین ترتیب، کسانی که از مقام‌های حکومت پیشین در کشور باقی مانده‌اند، از جمله حامد کرزی و عبدالله عبدالله با محدودیت‌های زیادی از سوی این گروه مواجه هستند. گفتنی است که محمد محقق در کنار برخی از رهبران جهادی عضو شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان است، شورایی که باورمند به مذاکره با طالبان و خواستار تشکیل دولت موقت و سپس ایجاد دولت فراگیر است.

استفاده ابرازی طالبان از علمای مذهبی جهان اسلام

کجه شهاب



اخیراً سازمان همکاری اسلامی که مقر آن در عربستان است هیاتی از علمای مذهبی را به کابل فرستاده تا با مقام‌های طالبان دیدار و گفت‌وگو کند. به گفته سخنگویان این سازمان، موضوعات مورد گفت‌وگوی این هیات با طالبان را اهمیت مدارا و اعتدال در اسلام و همچنین حقوق اساسی زنان تشکیل می‌دهد. این هیات تا کنون موفق شده با برخی از مقام‌های طالبان از جمله مولوی عبدالکبیر، معاون رئیس‌الوزرای کابینه طالبان، سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله و خالد حنفی، وزیر امر به معروف و نهی از منکر این گروه، دیدار کند. با توجه به موضوعات اعلام‌شده مورد گفت‌وگوی هیات سازمان همکاری اسلامی با گروه طالبان، روشن است که این هیات در تلاش است تا مواضع طالبان را تعدیل کند و آنان را به پذیرش تکثر و تنوع فکری و رعایت حقوق زنان تشویق کند. بدون شک، تلاش سازمان یادشده برای تعدیل و اصلاح رفتار طالبان، امر میمون و مبارک است، اما فراین و شواهد حاکی است که این تلاش‌ها به نتیجه نخواهد رسید و هیات سازمان همکاری اسلامی با دست خالی برخواهد گشت.

سازمان همکاری اسلامی در بیش‌تر اوقات، منعکس‌کننده سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی عربستان سعودی است. این در حالی است که طالبان روابط محکمی با قطر دارند؛ کشوری که رقیب منطقه‌ای عربستان سعودی به‌حساب می‌آید. طالبان دوست دارند با همه کشورهای اسلامی رابطه برقرار کنند و غالباً کمک‌های بشردوستانه و نیز سرمایه‌گذاری این کشورها را جلب کنند؛ اما قطر یکی از تأثیرگذارترین کشورها بر این گروه است. با توجه به این نکته، تأثیر سازمان همکاری اسلامی بر سیاست‌های طالبان، ناچیز به‌نظر می‌رسد و بسیار بعید است که این سازمان بتواند طالبان را به تجدید نظر در مواضع خود وادار کند.

موضوع قابل ذکر دیگر این است که خطوط اساسی سیاست‌های طالبان را در همه زمینه‌ها ملاهبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، تعیین و ترسیم می‌کند. طالبان، سازمانی است که همه قدرت آن در شخص رهبری و اطرافیانش جمع شده و دیگران در بهترین حالت، نقش اجراکننده دارند. بنابراین، قرار نیست مذاکره و گفت‌وگوی هیات سازمان همکاری اسلامی با مقام‌های پایتخت‌نشین طالبان، تغییری در اوضاع ایجاد کند، چرا که این مقام‌ها نمی‌توانند دخل و تصرفی در پالیسی‌های کلی نظام طالبان انجام دهند. بنابراین، نباید توقع داشت که تغییری در مواضع طالبان از طریق گفت‌وگو با مقام‌های طالبان در کابل به‌وجود آید.

همه می‌دانیم که رهبران فعلی عربستان سعودی در چند سال اخیر، دست به ایجاد تحول و اصلاح اساسی در سیاست‌های خارجی، فرهنگی و اقتصادی این کشور زده‌اند. آن‌ها در تلاشند با گذشته وداع و چهره دیگری از عربستان به جهان عرضه کنند.

این تحول به‌حدی سریع در حال انجام شدن است که همه ناظران را متعجب کرده است. عربستان سعودی از جمله کشورهایی در جهان اسلام است که سال‌های متمادی، حامی افکار تندروانه سلفی و اخوانی و از این بابت انگشت‌نمای جهان بوده است. با روی کار آمدن بن سلمان، عربستانی‌ها سعی می‌کنند افکار افراطی را منزوی کنند و اندیشه‌های لیبرال‌تری را روی کار بیاورند. عربستان سعودی در حال حاضر کشور مطلوب برای گروه‌های تندروی همچون طالبان نیست. بی‌دلیل نیست که همزمان با سفر هیات سازمان همکاری اسلامی به افغانستان، بعضی از حامیان طالبان در شبکه‌های اجتماعی علیه سیاست‌های فرهنگی عربستان تبلیغات راه انداخته‌اند و کوشش دارند این سفر را بی‌نتیجه بسازند. اگر این جنبه از قضیه را مورد توجه قرار دهیم، می‌توانیم بگوییم که تلاش‌های سازمان همکاری اسلامی برای تعدیل سیاست‌های طالبان، به احتمال زیاد نتایج ملموسی در پی نخواهد داشت.

عامل دیگری که این گفت‌وگوها را عقیم می‌سازد، ذهن بسته رهبران طالبان است. واقعیت تلخ آن است که رهبران عمده طالبان در فضاهای بسته در افغانستان یا پاکستان رشد کرده و تربیت یافته‌اند. آن‌ها با افکار و اندیشه‌هایی که متعلق به بیرون از مدرسه‌های عقب‌مانده دیوبندی در مناطق قبایلی افغانستان و پاکستان باشد، با دیده شک و تردید نگاه می‌کنند و از نزدیکی با آن‌ها می‌پرهیزند. آنان سال‌های سال، دگم‌ها و کلیشه‌های تکراری را به حافظه خود سپرده‌اند و مهر این ایده‌های کهنه و فرسوده، در دل‌شان نشسته و دشوار است به آسانی از آن افکار دست بشویند. رهبران طالبان تصور می‌کنند که یگانه دولت واقعا اسلامی در جهان را آن‌ها تشکیل داده‌اند و سایر دولت‌ها در جهان اسلام، با ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی بیگانه‌اند. این موضوع را به صراحت والی پیشین طالبان در پروان در یک سخنرانی بیان کرد. باری وزیر امر به معروف و نهی از منکر طالبان هم تصریح کرد که در زمینه مسایل دینی، افغانستان به خودکفایی رسیده و نیازی به دریافت کمک از بیرون ندارد. ذهن رهبران طالبان به هیچ صورت پذیرای مشوره‌ها و نظراتی که خلاف میل‌شان باشد نیست.

در دوسال حاکمیت مجدد طالبان، هیات‌هایی از علمای مذهبی از کشورهای اسلامی آمده‌اند تا به طالبان مشوره‌های لازم را ارائه و آن‌ها را تشویق به میانه‌روی و تعدیل برخی مواضع شان کنند. با این حال، تا کنون هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که ثابت کند طالبان به این مشوره‌ها و دیدگاه‌ها وقعی گذاشته باشند. طالبان کوشش می‌کنند که از سفر علمای مذهبی از کشورهای مختلف به افغانستان، به‌عنوان ابزار تبلیغاتی برای ترسیم تصویر مطلوب از خود به جهانیان استفاده کنند و به چیزی فراتر از آن نمی‌اندیشند. طالبان حتا درخواست تقی عثمانی، یکی از علمای مذهبی شاخص پاکستانی و استاد برخی از مقام‌های این گروه را در مورد بازگشایی مکاتب دخترانه نپذیرفتند و به آن اعتنایی نکردند. نکته دیگری که ذکر آن ضرور است این است که بعضی از علمای مذهبی‌ای که به افغانستان زیر کنترل طالبان سفر می‌کنند و از نزدیک با وقایع آشنا می‌شوند، با طالبان همدلی دارند و برای پایداری حکومت این گروه تلاش می‌کنند. برای مثال، چند ماه پیش، جمعی از علمای مذهبی وابسته به قطر و ترکیه، به کابل سفر کردند. تمام تلاش این گروه از علمای دینی این بود که طالبان را تطهیر کنند و به آن‌ها برای رفتن به جلوروحیه دهند. همچنین زمانی که جمعی از علمای دینی بریتانیا به کابل آمدند، بخش عمده کارشان را سفیدنمایی طالبان تشکیل می‌داد و کم‌تر کسی از آن‌ها از سیاست‌های سرکوب‌گرانه این گروه در برابر مخالفان سیاسی یا از تبعیض گسترده این گروه در برابر زنان سخن زد. طالبان دوست دارند هرازگاهی از این قماش از علمای دین در افغانستان میزبانی کنند و از حضور آنان در تبلیغات رسانه‌ای بهره ببرند. در هر حال، هرازگاهی هیات‌هایی از علمای دینی از مناطق مختلف جهان به افغانستان می‌آیند تا ضمن ارزیابی اوضاع، دیدگاه‌ها و نظرات خود را با طالبان در میان بگذارند. چیزی که در عمل اتفاق می‌افتد این است که طالبان، روایت مورد نظر خود را از این دیدارها و گفت‌وگوها در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند و از آن استفاده تبلیغاتی می‌کنند. تا کنون هیچ یک از این دیدارها و گفت‌وگوها به نتایجی که خیر و صلاح زنان و مردان افغانستان در آن مضمّن باشد، منتهی نشده است. عامل دیگری که موجب شده این گفت‌وگوها به تعدیل مواضع و رفتار قرون وسطایی طالبان نینجامد این بوده که بعضی از این ملاها با طالبان همدلی و همفکری داشته‌اند و به‌جای آن که مشوره‌های مفید به طالبان ارائه کنند، به دفاع کورکورانه از سیاست‌های طالبان پرداخته‌اند.

امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه می گوید که پرچم روسیه نمی تواند در المپیک ۲۰۲۴ پاریس برافراشته شود. مکرون روز چهارشنبه، ۵ سپتامبر، در پاسخ به پرسشی از خبرنگار اکسپرس در خصوص حضور احتمالی ورزشکاران روسی در بازی های المپیک ۲۰۲۴ پاریس گفته است: «در شرایطی که روسیه در حال ارتکاب جنایات جنگی است، نمی توان پرچم این کشور را در المپیک نشان داد.» او افزود: «فکر می کنم بر سر عدم نمایش پرچم روسیه در بازی های ۲۰۲۴ اجماع وجود دارد. این کشور مرتکب جنایت جنگی شده است.» با این حال، وی علاوه کرده است که تصمیم نهایی در مورد اجازه دادن به ورزشکاران روسی و بلازوسی برای حضور در مسابقات به صورت انفرادی به عهده کمیته بین المللی المپیک (IOC) و توماس باخ، رئیس آن است.

وقوع زمین لرزه هفت ریشتری در مراکش؛ ۲۹۶ کشته و ۱۵۳ زخمی برجا گذاشت

وزارت داخله مراکش اعلام کرده است که بر اساس آمار اولیه در پی وقوع زمین لرزه هفت ریشتری در جنوب غرب این کشور، ۲۹۶ تن جان باختند و دست کم ۱۵۳ تن دیگر زخمی شده اند.

به گزارش الجزیره این زمین لرزه جمعه شب، ۸ سپتامبر، به وقوع پیوسته است.

مقامها آمار اعلام شده را ابتدایی خوانده و گفتند که احتمالاً شمار قربانیان ناشی از این رویداد افزایش یابد. رسانه های محلی گزارش دادند که شفاخانه های این کشور گواه هجوم بیشتر زخمیان این زمین لرزه هستند. مرکز ملی پژوهش علمی در رباط شدت این زمین لرزه را هفت ریشتر اعلام و مرکز ملی ژئوفیزیک این کشور آن را شدیدترین زمین لرزه در یک قرن گذشته عنوان کرده است.

این مرکز افزوده که این زمین لرزه ساعت ۱۱:۰۰ شب گذشته به وقت محلی در ولایت حوز واقع در جنوب مراکش و در عمق هشت کیلومتری زمین رخ داده است.

شهر مراکش نزدیکترین شهر بزرگ به مرکز زمین لرزه بوده که بسیاری از خانه های منطقه پرجمعیت تاریخی شهر در پی این زمین لرزه ویران شده اند.

همچنان تصاویری از تخریب دیواره تاریخی شهر که به قرون وسطی مربوط می شود منتشر شده است. این کشور پیش از این نیز گواه وقوع زمین لرزه شدید بوده است. حدود ۶۲۸ تن در نتیجه وقوع زمین لرزه در شمال شرق مراکش در سال ۲۰۰۴ جان باخته اند. شمار زخمیان این رویداد طبیعی هم نزدیک به یک هزار تن اعلام شده بود.

امتناع ماسک از فعال کردن استارلینک در سواستوپول؛ «اگر موافقت می کردم، اسپیس ایکس در جنگ شریک می شد»



ایلان ماسک، مالک شرکت اسپیس ایکس، گفته که مقام های دولتی از وی درخواست کردند تا ماهواره های استارلینک را در منطقه سواستوپول فعال کند تا نیروهای اوکراینی بتوانند کشتی های جنگی روسیه را در هم بکوبند.

سی ان ان اوایل روز جمعه، ۸ سپتامبر، گزارش کرد که ایلان ماسک ماهواره های استارلینک خود را برای این که اوکراینی ها بتوانند به طور مخفیانه به کشتی های جنگی روسیه حمله کنند، در سواستوپول غیرفعال کرده است.

ماسک در پاسخ به توییت یک خبرنگار، این گزارش را رد کرد و گفت که درخواست اضطراری از سوی مقامات دولتی برای فعال کردن Starlink تا سواستوپول وجود داشت و هدف آشکار غرق کردن بیشتر کشتی های جنگی روسیه در آب های این

منطقه بود و او با آن موافقت نکرده است. ماسک افزوده است: «اگر من با درخواست آنها موافقت می کردم، اسپیس ایکس به صراحت در یک اقدام بزرگ جنگی و تشدید درگیری شریک می شد.»

او خاطرنشان کرده که در ساحات مورد نظر ماهواره های استارلینک از قبل غیرفعال بودند و شرکت اسپیس ایکس به تازه گی در این زمینه اقدامی نکرده است.

دولت امریکا و اوکراین تا کنون در مورد این که آیا چنین درخواستی از سوی آنان مطرح شده است یا خیر، چیزی نگفته اند.

سواستوپول، یک شهر بندری در جنوب غربی شبه جزیره کریمه است، جایی که در سواحل آن کشتی های جنگی روسیه لنگر انداخته اند.

حمله جنگ جویان القاعده در مالی؛

۴۹ غیرنظامی و ۱۵ سرباز کشته شدند



براساس اطلاعات احتمالاً شمار تلفات ناشی از این دو حمله افزایش یابد. غیرنظامیان در پی برخورد یک موشک پرتاب شده از

مقامها در مالی می گویند که در پی دو حمله جداگانه جنگ جویان وابسته به القاعده در این کشور، دست کم ۴۹ غیرنظامی و ۱۵ سرباز کشته شده اند.

ای بی سی نیوز به نقل از ارتش مالی پنجشنبه شب، ۷ سپتامبر، گزارش داده که این شمار در دو حمله جداگانه جنگ جویان وابسته به القاعده بر یک پایگاه نظامی و یک قایق در شمال این کشور کشته شده اند.

دولت نظامی مالی ادعا کرده که این حملات از سوی گروه القاعده صورت گرفته است.

به گفته ارتش دست کم ۵۰ مهاجم در ضد حمله نیروهای مالی نیز کشته شده اند.

تشدید تنش های مرزی میان ارمنستان و آذربایجان

جاهجا کرده است. مقام های آذربایجانی با رد ادعای ایروان آن را تحریک های نظامی و سیاسی خوانده اند. در بخشی از بیانیه وزارت امور خارجه آذربایجان آمده است: «این ادعاها بخشی از یک بازی فریبکارانه سیاسی دیگر است.» در همین حال، حکمت حاجی اف، مشاور رئیس جمهور آذربایجان، گفته است که نظامیان کشورش در حال انجام تمرینات نظامی از پیش برنامه ریزی شده به هدف آماده گی برای خزان و زمستان هستند.

به قره باغ را مسدود کرده است. این تنها مسیر دسترسی ارمنستان به قره باغ است، اما مقام های آذربایجانی هدف از این اقدام را جلوگیری از قاچاق سلاح عنوان کرده اند. نیکول پاشینیان، نخست وزیر ارمنستان آذربایجان را به جمع آوری نیروهایش در منطقه قره باغ و مرز آذربایجان و ارمنستان متهم کرد. از سوی دیگر، وزارت امور خارجه ارمنستان گفته علاقه ای به تشدید تنش های نظامی ندارد، اما آذربایجان نیرو و تجهیزات نظامی در این منطقه

همزمان با تشدید تنش ها میان جمهوری های آذربایجان و ارمنستان بر سر منقطه قره باغ، مقام های این دو کشور یکدیگر را به انتقال نیرو و تجهیزات نظامی به مرزهای مشترک متهم کرده اند.

رویترز پنجشنبه شب، ۷ سپتامبر، گزارش داده که این اتهامات همزمان با تشدید تنش ها میان باکو و ایروان بر سر آینده منطقه کوهستانی قره باغ وارد می شوند. باکو اخیراً با ایجاد یک ایست بازرسی مسیر مهم لاجین

کوربای شمالی از نخستین زیردریایی هسته ای خود رونمایی کرد

کوربای شمالی با حضور کیم جونگ اون، رهبر این کشور از یک زیردریایی تاکتیکی هسته ای جدیدش رونمایی کرد.

خبرگزاری رسمی کوربای شمالی (KCNA) روز جمعه، ۸ سپتامبر، به نقل از ارتش این کشور گزارش داده که این اولین زیردریایی با قابلیت حمل تسلیحات تاکتیکی هسته ای بوده که برای آزمایش های دریایی آماده شده است.

کیم جونگ اون، در این مراسم گفته است که پیونگ یانگ قصد دارد تمام زیردریایی های بزرگ خود را نوسازی کرده و آنها را به تسلیحات تاکتیکی هسته ای مجهز کند. وی تصریح کرده است: «برنامه کوربای شمالی این است که تمام زیردریایی های بزرگ خود را به زیردریایی های تهاجمی مجهز به تسلیحات تاکتیکی هسته ای تبدیل کند.»

چند روز پیش نیز نیروهای نظامی این کشور تمرینات حمله تاکتیکی هسته ای را در واکنش به آزمایش نظامی مشترک امریکا و کوربای جنوبی برگزار کرد.

در این تمرینات دو موشک بالستیک کوتاه برد به عنوان بخشی از آزمایش حمله اتمی تاکتیکی به هوا نیز شلیک شده اند.



در اعلامیه ای دولت کوربای شمالی آمده است: «هدف از آزمایش این بود که به همه افسران فرماندهی و بخش های ستاد کل ارتش، آماده گی کامل برای جنگ را و آنان را با روش های عملیاتی در زمان قرار گرفتن در پایگاه جنگی و داشتن توانایی پاسخ نظامی قوی آموزش دهد.»

در این آزمایش نابودی مراکز فرماندهی و فرودگاه های کلیدی کوربای جنوبی شبیه سازی شده اند.

کوربای شمالی همچنان روز شنبه، ۱ سپتامبر، اقدام به شلیک چند موشک کروز به سمت دریای زرد کرد.

ارتش کوربای جنوبی با محکوم کردن شلیک این موشک ها گفت که این اقدام کوربای شمالی نه تنها صلح و ثبات در شبه جزیره کوریا را بلکه تمام جامعه بین المللی را تضعیف می کند.

این در حالی است که کوربای شمالی در این اواخر و پس از راه اندازی تمرینات مشترک نظامی امریکا و کوربای جنوبی در آب های جاپان، شلیک موشک ها و شبیه سازی حملات تاکتیکی هسته ای خود را افزایش داده است.